ادامه از صفحه اول

اسنپ‌بک، حاکمیت ملی و حقوق بشر هسته‌ای

از این رو اسنپ‌بک در واقع تلاشی است برای سلب یک «حق فناورانه» به بهانه صیانت از «امنیت گزینشی»؛ امنیتی که نه جهانی، بلکه سیاسی و نامتوازن تعریف می‌شود.

دوم؛ امنیت گزینشی و فروپاشی بی‌طرفی شورای امنیت: در یادداشت‌های پیشین در «تعادل» به درستی بر این نکته تاکید شد که حقوق بشر، هنگامی که ابزار سیاست شود، ماهیت خود را از دست می‌دهد. همین قاعده درباره «امنیت بین‌المللی» نیز صادق است. رفتار اروپا در پرونده ایران نشان می‌دهد: انباشت هزاران کلاهک هسته‌ای توسط برخی قدرت‌ها مساله نیست؛ عدم عضویت رژیم اسراییل در NPT مساله نیست؛ اما توسعه بومی فناوری هسته‌ای در ایران، تهدیدی جهانی تلقی می‌شود. این رویکرد دوگانه، شورای امنیت را از یک نهاد حقوقی به ابزار اعمال قدرت نامتقارن تبدیل می‌کند؛ امری که چین و روسیه به درستی نسبت به آن هشدار داده‌اند.

سوم؛ اسنپ‌بک به مثابه نقض مضاعف حقوق بشر: در نگاه نخست، اسنپ‌بک ابزاری حقوقی جلوه می‌کند؛ اما در واقع پیامدهای آن مستقیما متوجه حقوق بشر است:

بازگشت تحریم‌ها ← تضعیف اقتصاد ملی
تضعیف اقتصاد ← آسیب به معیشت مردم
آسیب به معیشت ← نقض حقوق اجتماعی و انسانی

در این معنا، اسنپ‌بک نه فقط اقدامی علیه دولت ایران، بلکه فشاری است ساختاری علیه جامعه ایرانی؛ موضوعی که در ادبیات حقوق بشر غربی عمدا نادیده گرفته می‌شود. چهارم؛ اروپا و بحران صداقت: یکی از محورهای ثابت یادداشت‌های پیشین، نقد «دوگانگی اخلاقی» در سیاست جهانی است. پرونده اسنپ‌بک مصداق روشنی است از این بحران صداقت؛ اروپا از یک سو مدعی حمایت از دیپلماسی است و از سوی دیگر، تهدید به فعال‌سازی سازوکارهای قهری می‌کند؛ از گفت‌وگو سخن می‌گوید، اما زبانش زبان اجبار است. این وضعیت، نه دیپلماسی، بلکه اعمال فشار و تهدید است با نقاب گفت‌وگو.

پنجم؛ موضع ایران، بازتعریف مقاومت حقوقی: در ادامه تحلیل‌های پیشین درباره «مقاومت حقوقی» در برابر نظم ناعادلانه می‌توان گفت موضع رسمی ایران در برابر اسنپ‌بک، واجد سه سطح است:

الف) سطح حقوقی، تاکید بر انقضای عملی قطعنامه ۲۲۳۱؛ فقدان صلاحیت شورای امنیت برای احیای سازوکار منقضی.

ب) سطح سیاسی، تفکیک روشن میان مذاکره داوطلبانه و امتیازدهی زیر فشار.

ج) سطح هویتی - تمدنی: پافشاری بر این اصل که استقلال علمی و فناورانه، بخشی است از هویت و کرامت ملی.

غنی‌سازی در این معنا صرفا یک فعالیت فنی نیست، بلکه نماد حق تصمیم‌گیری مستقل یک ملت است. در پایان ذکر این نکته ضروری است که از مساله ایران تا مساله نظم جهانی پرونده اسنپ‌بک را باید فراتر از ایران دید. این پرونده پرسشی بنیادین را مطرح می‌کند: آیا نظم بین‌الملل هنوز مبتنی است بر «حقوق برابر ملت‌ها» یا به صحنه «اعمال اراده قدرت‌ها» فروکاسته شده است؟ در این چارچوب، مخالفت چین و روسیه با اسنپ‌بک، صرفا حمایت از ایران نیست، بلکه دفاعی است از این اصل: «قانون نباید تابع قدرت باشد و شورای امنیت نباید به ابزار فشار سیاسی تبدیل شود.»

نتیجه نهایی

اسنپ‌بک، در وضعیت کنونی، نه ابزار حفظ صلح، بلکه نشانه‌ای است از بحران مشروعیت نظم بین‌المللی و موضع ایران، اگر به درستی فهم شود، نه «چالش با جامعه جهانی» بلکه اعتراض حقوقی یک ملت به تبعیض ساختاری است. در جهانی که حقوق بشر، توسعه و امنیت به صورت گزینشی تعریف می‌شوند، پافشاری بر حق، خود شکلی از «مقاومت اخلاقی و عقلانی» است.

نقره؛ فلز خاموش در صدر توجه

تغییر نگاه سرمایه‌گذاران جهانی به نقره و نقش فزاینده آن در سبد دارایی‌هاست. بر همین اساس، روند رشد نقره هنوز به پایان نرسیده و این فلز پتانسیل آن را دارد که در آینده‌ای نه چندان دور، پس از طلا، به دومین دارایی باارزش جهان تبدیل شود. چنین سناریویی، پیامدهای مهمی برای بازار سرمایه ایران نیز خواهد داشت. طبیعی است که بازار سرمایه نمی‌تواند نسبت به این موج جهانی بی‌تفاوت بماند و توسعه صندوق‌های نقره می‌تواند یکی از مسیرهای همسویی با این روند باشد. در این میان، شنیده‌ها حاکی از آن است که سازمان بورس و اوراق بهادار در حال بررسی و صدور مجوز برای صندوق‌های بخشی کالایی است؛ اقدامی که در صورت تحقق، می‌تواند افق‌های تازه‌ای پیش روی بازار باز کند. در چنین ساختاری، صندوق‌های طلا و نقره می‌توانند به عنوان صنایع مستقل در قالب صندوق‌های بخشی کالایی تعریف شوند؛ ابزاری نوآورانه که هم به عمق‌بخشی بازار کمک می‌کند و هم امکان مدیریت حرفه‌ای‌تر سرمایه را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌آورد. در مجموع، با توجه به شرایط فعلی بازارهای جهانی، کاهش تولید نقره، رشد تقاضا و همچنین استقبال چشمگیر سرمایه‌گذاران داخلی از صندوق‌های نقره، می‌توان گفت که این فلز گرانبها در نقطه جذابی از چرخه قیمتی خود قرار دارد. اگر سیاستگذار بازار سرمایه نیز با توسعه ابزارهای نوین و تسهیل مسیر سرمایه‌گذاری، این روند را همراهی کند، نقره می‌تواند به یکی از محورهای مهم جذب نقدینگی و تنوع‌بخشی در سبد دارایی سرمایه‌گذاران ایرانی تبدیل شود؛ مسیری که هم برای بازار سرمایه و هم برای فعالان آن، چشم‌انداز روشنی ترسیم می‌کند.

«تعادل» بررسی می‌کند

صعود بورس در زمستان

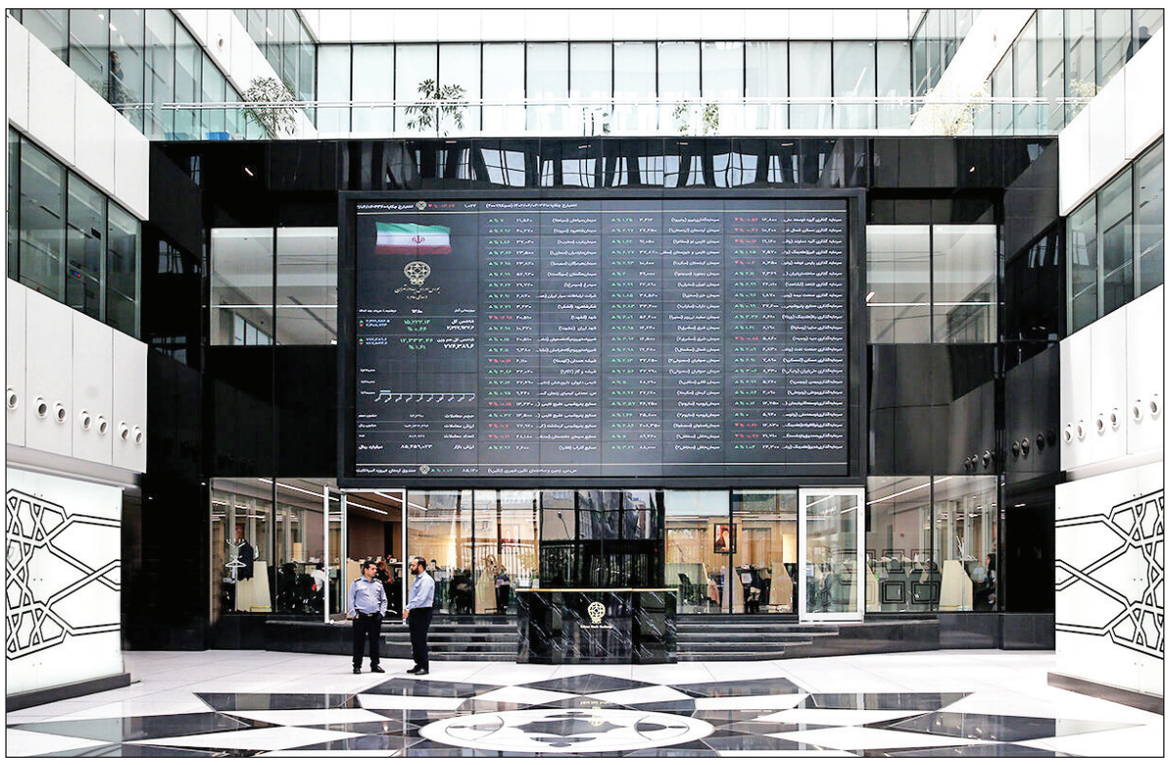

پس از ماه‌ها رکود و اصلاح بالاخره بورس تهران توانست فاز جدیدی از رشد و توسعه را تجربه کند. چند ماهی می‌شود که بازار سهام روند روبه بالا را تجربه می‌کند و در این روند دیگر شاخص‌ها و سهام نیز با آن همراه شده‌اند و یک روند سراسر مثبت و رکودشکن را رقم زده‌اند.

بازار سهام در نخستین هفته معاملاتی دی‌ماه ۱۴۰۴، یکی از کم‌سابقه‌ترین دوره‌های رونق خود طی پنج سال اخیر را تجربه کرد؛ دوره‌ای که با ثبت چند رکورد مهم، نگاه‌ها را بار دیگر به سمت بورس معطوف کرد.

بر اساس داده‌های معاملاتی، شاخص کل بورس با تداوم روند صعودی هفته‌های پیشین، طی این هفته بیش از ۷ درصد رشد کرد و پس از عبور از مرز تاریخی ۴ میلیون واحد، معاملات را در سطح ۴ میلیون و ۲۸ هزار واحد به پایان رساند. این اتفاق، از منظر تحلیلگران فنی به عنوان آغاز مرحله‌ای جدید در ساختار تکنیکال بازار تلقی می‌شود.

در همین حال، شاخص هم‌وزن نیز با رشدی هم‌سطح شاخص کل، افزایش بیش از ۷.۴ درصدی را ثبت کرد و به عدد یک میلیون و ۱۲۶ هزار واحد رسید. همگرایی رشد این دو شاخص نشان می‌دهد که موج تقاضا محدود به چند نماد بزرگ نبوده و سهام کوچک و متوسط نیز همپای کلیت بازار در مسیر صعودی قرار گرفته‌اند؛ موضوعی که از استحکام روند فعلی حکایت دارد.

فعالان بازار سرمایه یکی از مهم‌ترین محرک‌های رشد اخیر را تحولات بازار ارز می‌دانند. افزایش نرخ دلار در بازار آزاد طی روزهای گذشته، به‌طور همزمان موجب رشد نرخ ارز در تالار دوم مرکز مبادله شده و همین عامل، انتظارات سودآوری شرکت‌های صادرات‌محور و دارای درآمد ارزی را به شکل محسوسی تقویت کرده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد تا زمانی که دلار در سطوح فعلی تثبیت شود یا مسیر افزایشی خود را حفظ کند، این متغیر می‌تواند به عنوان پشتوانه‌ای جدی برای تداوم جریان نقدینگی در بورس عمل کرده و مانع تضعیف سریع تقاضا در بازار سهام شود.

از سوی دیگر بررسی عملکرد نمادها در هفته ابتدایی دی‌ماه، تصویری روشن از گستردگی رشد بازار ارایه می‌دهد. طی این مدت، صدها نماد بورسی با بازدهی‌های مثبت همراه شدند؛ به‌طوری که بخش قابل توجهی از بازار افزایش قیمت‌های بیش از ۵ درصد را پشت سر گذاشت.

در میان این نمادها، گروهی از سهم‌ها حتی بازدهی دورقمی را تنها در یک هفته به ثبت رساندند و تعداد محدودی از نمادها در محدوده منفی معامله شدند. کاهش چشمگیر تعداد نمادهای نزولی نسبت به دوره‌های قبل، از نگاه کارشناسان نشانه‌ای از کاهش ریسک سیستماتیک بازار در مقطع کنونی است. آمارهای مربوط به جریان پول نیز تغییر فاز بازار در هفته اخیر را به صورت کلی تایید می‌کنند. مجموع ورود پول حقیقی به بورس در این هفته به حدود ۷.۵ هزار میلیارد تومان رسید؛ رقمی که بیانگر بازگشت نسبی اعتماد سرمایه‌گذاران خرد به بازار سهام است.

در این میان، معاملات روز چهارشنبه ۳ دی‌ماه نقطه اوج این جریان محسوب می‌شود؛ روزی که بیش از ۳ هزار میلیارد تومان نقدینگی حقیقی وارد بازار شد و یکی از سنگین‌ترین ورود پول‌های روزانه سال‌های اخیر را رقم زد.

همزمان، میانگین حجم معاملات روزانه بورس به بیش از ۴۲ میلیارد سهم و ارزش معاملات خرد به حدود ۱۷.۵ هزار میلیارد تومان رسید؛ اعدادی که از ارتقای سطح نقدشوندگی و افزایش تحرک در معاملات حکایت دارد و بازار را وارد مرحله‌ای تازه از پویایی کرده است.

به نظر می‌رسد که اگر ریسک تازه‌ای در بازار وجود نداشته باشد همچنان شاهد رشد و توسعه بورس تهران باشیم و نقدینگی به سمت این بازار روانه شود. اما اگر این بازار با ریسک‌های متعدد از جمله سایه دستکاری مواجه شوند احتمالا در کوتاه‌مدت شاهد تغییر روند بورس و خروج نقدینگی از بازار باشیم. البته این موضوع در حالی است که بازارهای موازی نیز همپای نیز در حال رشد هستند و کوچک‌ترین خطایی می‌تواند نقدینگی را از بورس فراری داده و به سمت و سوی این بازارها روانه سازد. در اصل می‌تواند با توجه به بی‌اعتمادی که در گذشته در بورس به وجود آمده بود کوچک‌ترین ریسک در بازار مسیر شاخص را به‌طور کلی تغییر دهد.

بورس کالا در یک نگاه

آمار معاملات بازار فیزیکی بورس کالای ایران نشان می‌دهد در هفته منتهی به ۵ دی ماه حدود ۲ میلیون و ۳۷۲ هزار تن انواع کالا و محصول به ارزش بالغ بر ۶۱.۷ هزار میلیارد تومان معامله شد. همچنین ارزش معاملات ۱۰ شرکت برتر به بیش از ۲۸.۱ هزار میلیارد تومان رسید. برترین‌های بورس کالای ایران در هفته منتهی به ۵ دی ماه براساس ارزش فروش شرکت‌ها در بازار فیزیکی به شرح زیر است:

ملی صنایع مس ایران با معامله ۵ هزار و ۷۴۹ تن انواع مس، سولفور مولیبدن و کنسانتره فلزات گرانبها به ارزش ۸ هزار و ۹۷۱ میلیارد تومان در رتبه نخست ایستاد. فولاد مبارکه اصفهان با فروش ۱۰۵ هزار و ۹۰ تن انواع ورق فولادی به ارزش ۴ هزار و ۶۲۳ میلیارد تومان دوم شد.

صنایع تولیدی دنیای مس کاشان ۲ هزار و ۲۱۰ تن مس و سیم و مفتول مسی به ارزش ۳ هزار و ۱۷۳ میلیارد تومان فروخت و رتبه سوم را به خود اختصاص داد. مجتمع سرب و روی انگوران با معامله ۱۰۷ هزار تن خاک روی به ارزش ۳ هزار و ۸۶ میلیارد تومان چهارم شد.

فولاد خوزستان با معامله ۴۵ هزار و ۶۰۰ تن شمش بلوم، تختال و آرگون به ارزش یک هزار و ۷۸۵ میلیارد تومان پنجم شد. پتروشیمی تندگویان با فروش ۱۲ هزار و ۷۱۶ تن پلی اتیلن ترفتالات بطری و نساجی و نخ پلی استر در گریدهای مختلف به ارزش یک هزار و ۱۷۷ میلیارد تومان فروخت و رتبه ششم را کسب کرد. آلومینای ایران با فروش ۱۹ هزار و ۸۲۵ تن اکسید، هیدروکسید و شمش آلومینیوم به ارزش یک هزار و ۸۳ میلیارد تومان رتبه هفتم را به خود اختصاص داد. معدنی و صنعتی گل گهر با معامله ۱۳۰ هزار تن گندله و کنسانتره سنگ آهن به ارزش یک هزار و ۴۵ میلیارد تومان هشتم شد.

ذوب آهن اصفهان یک هزار و ۹۳۵ تن تیرآهن، شمش چدن و آرگون به ارزش یک هزار و ۲۶ میلیارد تومان فروخت و نهم شد. آهن و فولاد ارفع هم با فروش ۲۷ هزار تن شمش بلوم به ارزش یک هزار و ۳ میلیارد تومان رتبه دهم را به خود اختصاص داد.

فرصت دوباره بورس به سهامداران

بازار امروز در نقطه‌ای ایستاده که بعد از نشانه‌های صعود پرقدرت فضایی متعادل دارد که بیشتر به میدان انتظار شباهت دارد. این وضعیت اگرچه برای معامله‌گران کوتاه‌مدت جذاب نیست، اما برای سرمایه‌گذاران میان‌مدت فرصتی ارزشمند محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، جابه‌جایی سهام و بازچینی پرتفوی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند، چرا که می‌توان سهم‌هایی را که در موج‌های اخیر کمتر رشد کرده‌اند، جایگزین سهم‌های پرریسک یا اشباع‌شده کرد.

بازار در هفته‌های گذشته رشد قیمتی مناسبی را پشت سر گذاشته و گزارش‌های ماهانه بسیاری از شرکت‌ها نشان داده‌اند که سودآوری در سطح قابل قبولی قرار دارد. رشد دلار و بازارهای جهانی نیز انگیزه‌ای برای تقویت صنایع کالایی ایجاد کرده است. از طرف دیگر، ریسک‌های سیاسی، نرخ بهره بالا و جذابیت بازارهای موازی مانند طلا، مانع از شکل‌گیری روند قدرتمند نشده‌اند. همین تعادل نشان‌دهنده ارزندگی بورس است، از این رو بهترین زمان برای تغییر ترکیب پرتفوی است.

علی رضایی تاکید کرد: بازار متعادل به معنای رکود نیست؛ بلکه فرصتی است برای سرمایه‌گذاران صبور تا با چینش هوشمندانه پرتفوی، خود را برای رالی‌های بعدی آماده کنند و افزود: برخی نمادهای کوچک‌تر در صنایع غذایی، دارویی یا بیمه، در مقایسه با گروه‌های بزرگ‌تر هنوز ظرفیت حرکت دارند.

علی رضایی، کارشناس بورس به بازار گفت: سرمایه‌گذاران می‌توانند در این فضا سراغ گروه‌هایی بروند که کمتر مورد توجه بوده‌اند؛ صنایعی که هنوز رشد قیمتی جدی نداشته‌اند، اما از منظر بنیادی ارزنده‌اند. به عنوان مثال، برخی نمادهای کوچک‌تر در صنایع غذایی، دارویی یا بیمه، در مقایسه با گروه‌های بزرگ‌تر هنوز ظرفیت حرکت دارند. همچنین در میان سهام کالایی، آن دسته از شرکت‌هایی که نسبت به هم گروهی‌های خود عقب مانده‌اند، گزینه‌های مناسبی برای ورود هستند.

وی افزود: بازار متعادل به معنای رکود نیست؛ بلکه فرصتی است برای سرمایه‌گذاران صبور تا با چینش هوشمندانه پرتفوی، خود را برای رالی‌های بعدی آماده کنند. تجربه نشان داده هر بار که فنر ارزندگی بازار فشرده‌تر می‌شود، با یک محرک سیاسی یا ارزی آزاد شده و بازدهی‌های قابل توجهی نصیب کسانی می‌شود که پیش‌تر جایگاه خود را درست انتخاب کرده‌اند. به همین دلیل، توصیه کلیدی در شرایط فعلی این است که به جای انتظار برای موج‌های بزرگ، پرتفوی را بازبینی کنید، سهم‌های کمتر رشد کرده را در سبد قرار دهید و آماده باشید تا در زمان آغاز حرکت‌های جدید، از فرصت‌ها بیشترین بهره را ببرید.

آیا ریسک‌های جدید به بورس تحمیل می‌شود؟

بازار سرمایه در شرایط کنونی علاوه بر ریسک‌های سیاسی و نرخ بهره بالا، با تهدید تازه‌ای روبه‌رو است؛ فشار فزاینده مجلس بر وزرای اقتصادی دولت عاملی اثرگذار است. این فشارها که در قالب سوال، تحقیق و تفحص و حتی طرح استیضاح مطرح می‌شوند، می‌توانند فضای تصمیم‌گیری اقتصادی را متزلزل کرده و مسیر اصلاحات را با تردید مواجه سازند.

علیرضا سادات معتقد است که هرگونه عقب‌نشینی یا تغییر مسیر تحت فشار سیاسی، می‌تواند اعتماد شکننده بازار را دوباره از بین ببرد و هشدار داد: اگر مجلس با شدت بیشتر وزرا را تحت فشار قرار دهد و مسیر اصلاحات اقتصادی متوقف شود، بازار دوباره به چرخه معیوب گذشته بازمی‌گردد.

علیرضا سادات در گفت‌وگو با خبرنگار بازار گفت: وزرای اقتصادی دولت چهاردهم طی ماه‌های اخیر رویکردی متفاوت از گذشته در پیش گرفته‌اند، حذف تدریجی قیمت‌گذاری دستوری، حمایت آشکار از بازار سرمایه و تلاش برای نزدیک کردن نرخ‌های تسعیر به واقعیت‌های بازار در دستور کار بوده است. این سیاست‌ها هنوز در ابتدای راه هستند اما برای بورس و فعالان اقتصادی پیام مثبتی داشته‌اند. با این حال، هرگونه عقب‌نشینی یا تغییر مسیر تحت فشار سیاسی، می‌تواند اعتماد شکننده بازار را دوباره از بین ببرد.

وی تاکید کرد: بازار سرمایه به‌شدت به سیگنال‌های سیاستگذاری حساس است. هنگامی که وزیر اقتصاد یا وزیر صنعت تحت فشار مجلس قرار می‌گیرند، سرمایه‌گذاران نگران تغییر رویکردها می‌شوند. توقف روند حذف قیمت‌گذاری دستوری یا کاهش حمایت از بورس، به معنای خروج نقدینگی و حرکت آن به سمت بازارهای موازی همچون طلا و ارز خواهد بود.

این کارشناس بازار سرمایه اظهار کرد: در شرایطی که بورس به تعادل نسبی رسیده و فرصت بازچینی پرتفوی و انتخاب سهم‌های کمتر رشد کرده فراهم شده، نااطمینانی ناشی از تغییر احتمالی تیم اقتصادی دولت می‌تواند این فرصت را از بین ببرد. سرمایه‌گذاران به جای چینش هوشمندانه سبد سهام، ترجیح می‌دهند نقد شوند و منتظر بمانند.

این کارشناس درباره اختلاف دولت و مجلس درباره مسائل اقتصادی چنین باور دارد که پیامدهای بلندمدت چنین فشارهایی نیز روشن است، اگر مجلس با شدت بیشتر وزرا را تحت فشار قرار دهد و مسیر اصلاحات اقتصادی متوقف شود، بازار دوباره به چرخه معیوب گذشته بازمی‌گردد. چرخه‌ای که در آن قیمت‌گذاری دستوری، بی‌ثباتی ارزی و بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران دست به دست هم می‌دهند و بورس را از کارکرد اصلی خود دور می‌کنند.

بنابراین بازار سرمایه در نقطه‌ای ایستاده که تعادل فعلی آن می‌تواند هم فرصت‌ساز باشد و هم تهدیدآفرین. از یک سو، این وضعیت بهترین زمان برای بازچینی پرتفوی و انتخاب سهم‌هایی است که کمتر رشد کرده‌اند؛ از سوی دیگر، فشارهای سیاسی و نظارتی بر وزرای اقتصادی دولت، خطر بازگشت به چرخه ناکارآمد گذشته را به همراه دارد. بنابراین آینده بورس به دو عامل گره خورده است؛ هوشمندی سرمایه‌گذاران در چینش پرتفوی و ثبات سیاستگذاری اقتصادی دولت در برابر فشارهای بیرونی.

همچنین میثم محمدی در خصوص روند بورس نوشت: بازار بورس اخیرا یک روند صعودی جذاب را شروع کرده و شاخص با رشد قابل توجه به محدوده حدود ۳ میلیون و ۹۵۰ هزار واحد رسیده و در مرز ۴ میلیون واحد قرار دارد. اما دقیقا مثل بازار ارز و طلا، چون رشد قابل توجهی اتفاق افتاده، نباید دچار ترس جاماندن از بازار شد، به اعتقاد من بورس نیز با اصلاح همراه خواهد شد و این اصلاح می‌تواند شاخص را تا محدوده ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تا ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار واحد پایین بیاورد. توصیه مهم در بورس این است که اکثر افراد به جای خرید مستقیم سهام، از مسیر صندوق‌های سرمایه‌گذاری وارد شوند؛ به خصوص صندوق‌های ETF بورسی، ریسک صندوق‌ها معمولا از خرید مستقیم سهم کمتر است و مدیریت پرتفوی را حرفه‌ای‌تر انجام می‌دهند.

نکته اینجاست که بعد از آن اصلاح، باید معاملات را بررسی کرد و دید آیا نشانه‌های ورود پول و برگشت تقاضا وجود دارد یا نه. یعنی نقطه ورود «صرفا بر اساس عدد» قطعی نیست؛ می‌گویم آن محدوده می‌تواند محدوده‌ای باشد که بازار قابلیت ورود کم‌ریسک‌تر پیدا کند، اما باید رفتار معاملات و قدرت تقاضا هم تایید کند. توصیه مهم من در بورس این است که اکثر افراد به جای خرید مستقیم سهام، از مسیر صندوق‌های سرمایه‌گذاری وارد شوند؛ به خصوص صندوق‌های ETF بورسی، ریسک صندوق‌ها معمولا از خرید مستقیم سهم کمتر است و مدیریت پرتفوی را حرفه‌ای‌تر انجام می‌دهند و در عمل برای بسیاری از سرمایه‌گذاران نتیجه بهتری رقم می‌زنند. در عین حال، با توجه به رشد نرخ ارز و چشم‌اندازی که برای تورم و دلار متصور هستیم، این پتانسیل وجود دارد که بورس هم بخشی از جاماندگی خود را نسبت به سایر بازارها، از نظر ارزش دلاری و ارزش ذاتی، جبران کند و در ادامه روند صعودی داشته باشد، اما در سطوح فعلی به هیچ‌وجه خرید سنگین را توصیه نمی‌کنم.

بورس

احتمال محدود شدن نقدینگی در بازارهای مالی

یک کارشناس بازارهای مالی با اشاره به کاهش درآمدهای ارزی دولت و تمرکز بودجه سال آینده بر افزایش درآمدهای مالیاتی، معتقد است در شرایط رکود فضای کسب و کار، تحقق این درآمدها با چالش جدی مواجه خواهد شد؛ موضوعی که می‌تواند به تضعیف سودآوری شرکت‌ها و دشوارتر شدن تامین مالی از مسیر بازار سرمایه منجر شود. مریم محبی با اشاره به مفروضات کلیدی لایحه بودجه سال آینده گفت: لایحه بودجه را که بررسی می‌کنیم، دو موضوع به‌طور مشخص برجسته است؛ نخست کاهش درآمدهای ارزی کشور و دوم تمرکز اصلی دولت بر افزایش درآمدهای مالیاتی.

وی افزود: وقتی دولت به سمت اتکای بیشتر بر درآمدهای مالیاتی حرکت می‌کند، لازمه آن رونق نسبی در فضای کسب و کار داخلی است؛ در حالی که در شرایط فعلی، فضای اقتصادی کشور چندان مهیای افزایش فعالیت‌های مولد و سودآور نیست.

این کارشناس بازارهای مالی ادامه داد: اقتصاد ایران به صورت سنتی وابستگی بالایی به درآمدهای نفتی و فروش منابع طبیعی داشته و سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی همواره قابل توجه بوده است. به همین دلیل، جایگزینی سریع و کامل درآمدهای نفتی با مالیات، آن هم در یک فضای رکودی، کار ساده‌ای نخواهد بود. محبی تصریح کرد: با توجه به شرایط موجود، به نظر می‌رسد دولت در سال آینده در بخش تحقق درآمدهای مالیاتی از کسب‌وکارها با موفقیت بالایی مواجه نشود؛ چرا که بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی با کاهش تقاضا، افزایش هزینه‌ها و نااطمینانی‌های گسترده روبه‌رو هستند. او با اشاره به پیامدهای این وضعیت برای بازار سرمایه گفت: بازار سرمایه در ایران نقش واسطه میان سرمایه‌گذاران و شرکت‌های سرمایه‌پذیر را بر عهده دارد و یکی از مهم‌ترین کانال‌های تامین مالی بنگاه‌ها محسوب می‌شود. اما زمانی که شرکت‌ها به دلیل شرایط ملتهب اقتصادی قادر به سودسازی مناسب نباشند، طبیعتا جذابیت آنها برای سرمایه‌گذاری کاهش پیدا می‌کند.

این کارشناس بازارهای مالی افزود: کاهش سودآوری شرکت‌ها به معنای افت بازدهی بازار سرمایه است و این موضوع هم از منظر جذب سرمایه‌های جدید و هم از نظر تامین مالی بنگاه‌ها می‌تواند بازار سرمایه را با محدودیت‌های جدی مواجه کند. محبی تاکید کرد: بر این اساس، اگر صرفا از زاویه مفروضات بودجه به موضوع نگاه کنیم، نمی‌توان انتظار داشت که سال آینده سالی مطلوب و کم‌ریسک برای بازار سرمایه و فعالیت شرکت‌های بورسی باشد. وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به موضوع حذف ارز ترجیحی اشاره کرد و گفت: یکی از محورهای مهمی که در سیاست‌های اقتصادی و بودجه‌ای روی آن تمرکز شده، بحث حذف ارز ترجیحی است. این سیاست به‌طور مستقیم و غیرمستقیم آثار گسترده‌ای بر اقتصاد کلان و بازارها خواهد داشت. این کارشناس بازارهای مالی افزود: ارز ترجیحی عمدتا برای تامین کالاهای اساسی در نظر گرفته شده بود؛ کالاهایی که سهم بزرگی از سبد مصرفی خانوارها و شاخص تورم را به خود اختصاص می‌دهند. حذف این ارز به‌طور طبیعی می‌تواند منجر به افزایش قیمت این کالاها شود. محبی ادامه داد: در نتیجه حذف ارز ترجیحی، ما به‌طور مشخص شاهد افزایش تورم، به‌ویژه در بخش کالاهای اساسی خواهیم بود. این تورم به کاهش قدرت خرید خانوارها، افت ارزش پول ملی و تشدید فشارهای معیشتی منجر می‌شود.

ادامه از صفحه اول

نگاهی به بودجه ۱۴۰۵

دولت با تنظیم یک بودجه انقباضی در واقع تلاش کرده یکی از موتورهای تورم را خاموش کرده، اما نباید به این بسنده و تلاش کند دیگر عوامل تورم‌زا را نیز خنثی کند. افزایش ۲۰ درصدی حقوق در شرایطی که تورم به بالای ۴۰ درصد رسیده ممکن است حقوق‌بگیران را ناراضی کند. حق هم دارند اما واقعیت این است که دولت چاره دیگری ندارد. دولت از کجا باید منابع مالی را تامین کند؟ سه منبع مالی بیشتر ندارد که شامل مالیات، نفت و دارایی‌های مالی است. در حال حاضر تعداد قابل توجهی از دستگاه‌هایی که از بودجه استفاده می‌کنند، ماموریت‌های موازی دارند یا ماموریت‌هایی دارند که خیلی اثربخش نیست. عموم مردم موافق نیستند که این ریخت‌وپاش‌ها انجام شود. قرار بود اصلاحاتی در بودجه سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها در آن بخش‌هایی که ماموریت‌های اثرگذار یا اولویت‌دار چندانی ندارند، اعمال شود که این گونه نشد. اینکه هنوز برای این دستگاه‌ها بودجه تعیین شده، خوب نیست. اصلاحات اقتصادی که دولت بحق شروع کرده باید درون سازمان‌ها و دستگاه‌های خودش هم اعمال شود و یک بازآرایی در درون سازمان‌های زیرمجموعه دولت اتفاق بیفتد. دستگاه‌هایی که ماموریت‌های موازی دارند یا اثرگذاری چندان برخوردار نیستند باید بودجه‌شان کاهشی یا حذف می‌شد. اینکه هنوز این دستگاه‌ها بودجه دریافت می‌کنند، می‌تواند ضعف لایحه باشد. برای بخش عمرانی ۶۰۰ همت در نظر گرفته شده که سال گذشته این عدد ۵۶۰ همت بود. بنابراین رشد قابل توجهی در این بخش دیده نمی‌شود؛ در حالی که اگر بخواهیم بودجه عمرانی را بر مبنای نرخ رشد دلار تعدیل کنیم باید بگوییم بودجه عمرانی کاهش یافته است. ما ۵۰ سال است که اقتصاد ایران را با نفت اداره کرده‌ایم و بریز و بپاش زیادی داشته‌ایم. سهم نفت در بودجه طی ۵۰ سال گذشته بین ۴۰ تا ۵۰ درصد بوده، اما در حال حاضر ۵ درصد شده و به کمترین میزان خود رسیده است. این یعنی دولت پول ندارد. ای کاش دولت دستگاه‌هایی که ماموریت‌های موازی دارند یا ماموریت‌های آنها در اولویت کشور نیست را ادغام می‌کرد.